

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

بهرام رحمانی

۰۸ فیروزی ۲۰۱۴

ششمین مصاحبه بهرام رحمانی با محمود صالحی

## درباره وضعیت کارگران زندانی به خصوص رضا شهابی!

حدود سی و پنج سال است که در جامعه ما، نه تنها آزادی بیان برای همگان به خصوص برای رسانه ها و نویسندگان و هنرمندان و فعالان سیاسی و اجتماعی وجود ندارد، بلکه هرگونه دادخواهی و اعتراض و حتا انتقاد حکم زندان و شکنجه و اعدام در بردارد.

در جوامعی که آزادی بیان و اندیشه و هم چنین انتقاد وجود نداشته باشد بی تردید اصلاح کارها و رفع اشتباهات و پیش برد برنامه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، کاری ست بس سخت و دشوار و خطرناک!

حکومت هائی که در تاریخ هرگونه صدای آزادی بیان، مطبوعات، نویسندگان، روزنامه نگاران، هنرمندان، نهادهای دمکراتیک مردمی و احزاب و سازمان های سیاسی و به طور کلی فعالان عرصه های مختلف جنبش های اجتماعی و مردمی را خفه کرده اند و مانع بیان حقایق و رشد خلاقیت های آن ها شده اند، همواره با شورش و انقلاب و غیره روبه رو بوده اند. به عبارت دیگر، هیچ حکومتی نمی تواند در درازمدت یک جامعه را از طریق سانسور و سرکوب، زندان و شکنجه، شلاق و اعدام، ساکت کند.

تاکنون هزاران نفر از مردم جامعه ما، به دلایل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اعدام و یا ترور شده اند. صدها هزار نفر در زندان های ایران زندانی اند و در حال حاضر، حدود ۲۵۰ هزار انسان زندانی هستند که به گفۀ خود مقامات دولتی، زندان های کشور، تنها ظرفیت ۵۰ هزار زندانی را دارند.

اخیراً گفته شده است که زندان رجائی شهر با ظرفیت ۱۵۰۰ نفر پذیرای ۵۵۰۰ تا ۶۰۰۰ زندانی است و ۲۵۰ زندانی عقیدتی - سیاسی با ۴۰ اعدامی از جمله زانیار و لقمان مرادی، شهرام احمدی و ۲۰ حبس ابد و مابقی با حبس های ۱۰ تا ۳۰ سال در وضعیت مرگ تدریجی به سر می برند.

سال گذشته نیز دادستان عمومی و انقلاب مشهد به خبرنگاران گفت در زندان مشهد که ظرفیت اسمی آن ۳۰۰۰ نفر است بیش از ۱۳ هزار زندانی را در خود جای داده است.

براساس اعلام مرکز مطالعات بین المللی زندان های جهان در سال ۲۰۱۳، آمار زندانیان در ایران بیش از ۲۵۰ هزار نفر بوده است. بنابر اعلام سازمان زندان ها، در حالی که نرخ متوسط زندانی در دنیا ۱۳۲ زندانی به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر است، هم اکنون در ایران ۳۴۸ زندانی به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر وجود دارد.

ازدحام جمعیت باعث در زندان ها، باعث پائین آمدن سطح بهداشت و سهولت انتقال بیماری ها شده و با توجه به ضعف و کمبود و یا عدم مراقبت های پزشکی سلامت زندانیان را به صورت جدی و مستمر با تهدید مواجه کرده است. پتوها و

وسایل خواب زندانیان، عموماً کثیف و غیربهداشتی است و دستشوئی که کارکرد ظرفشوئی را هم پیدا کرده است طبعاً آزاردهنده و غیربهداشتی است.

آمارها نشان می دهند که در ماه های اخیر نقض حقوق بشر در ایران، افزایش پیدا کرده و نزدیک به ۴۰۰ نفر اعدام شده اند. بدین گونه گفته می شود از آغاز ریاست جمهوری حسن روحانی تاکنون، به طور میانگین روزانه دو نفر در ایران اعدام شده اند. به طوری که کمیسوین حقوق بشر سازمان ملل و عفو بین الملل شدیداً به افزایش اعدام ها در ایران، اعتراض کرده اند. سال گذشته نیز حدود ۶۰۰ نفر در ایران اعدام شده بودند.

هاشم شعبانی و هادی راشدی دو نفر از پنج فعال فرهنگی اهوازی، محکوم به اعدام شهر رامشیر بودند که در ۱۶ آذر ماه [قوس] ۱۳۹۲ از زندان کارون به مکانی نامعلوم منتقل شدند. خانواده های آن ها بیش از ۵۰ روز از سرنوشت فرزندان خود بی خبر بودن تا این که مأمورین وزارت اطلاعات روز چهارشنبه ۹ بهمن ماه [دلو] ۱۳۹۲، به خانواده این دو زندانی و فعال فرهنگی اعلام کردند که سه یا چهار روز پیش آن ها را اعدام کرده اند و متعاقباً محل دفن آن ها را به اطلاع شان خواهند رساند.

بعد از انتشار خبر اعدام هاشم شعبانی نژاد و هادی راشدی، دانش آموزان این دو دبیر همراه ده ها جوان اهوازی با در دست داشتن عکس های این دو فعال فرهنگی اهوازی، دست به اعتراض زدند و شعار دادند. این نمونه ها نشان می دهند که اعدام های مخفی نیز هم چنان در جریان است.

متأسفانه در در ایران هر کسی و جمعی، به خصوص کارگران که حتا دست مزدهای بخور و نمیر مورد توافق شان را نیز نمی توانند بگیرند جز اعتراض و اعتصاب، چاره و سلاح دیگری ندارند. در چنین موقعیتی، فعالان کارگری و جنبش های دیگر، بلافاصله زندانی می شوند. برای مثال، روز اول بهمن ۱۳۹۲ در دومین روز اعتصاب کارگران شرکت بین المللی پروژه های عمرانی ساختمانی و شهرک سازی کیسون که اکنون پروژه شهرک سازی پرند را در دست اجراء دارد، در اعتراض به اخراج ها و ۶ ماه حقوق معوقه خود، ۱۰۰ کارگر دستگیر شدند. در پروژه شهرک پرند ۶ هزار کارگر به کار اشتغال داشتند که تاکنون ۱۲۰۰ نفر آنان اخراج شده اند. کارگران اخراجی و ۴۸۰۰ کارگر باقی مانده در این شرکت بیش از ۶ ماه حقوق طلب کار هستند.

با در پی اعتراض کارگران شرکت آسفالت طوس (پیمانکار نیروی انسانی معدن چادرملو) به اخراج دبیر انجمن صنفی کارگران این شرکت در روز سه شنبه ۸ بهمن ماه، فرماندار اردکان روز پنج شنبه ۱۰ بهمن ماه اعلام کرد با شکایت کارفرما ۲۰ نفر از کارگران معدن چادرملو احضار و بازداشت شدند.

به گزارش خبرگزاری کار ایران (ایلنا)، احمد کمالی، فرماندار اردکان با انتقاد از اعتراضات صنفی کارگران معدن چادرملو در روزهای گذشته، گفت: «مدیرعامل مجتمع سنگ آهن چادرملو از طریق قوه قضائیه علیه تعدادی از کارگران شکایت کرده که این کارگران روز گذشته (چهارشنبه ۹ بهمن ماه) توسط پولیس امنیت احضار و سپس بازداشت شدند.»

بنا به گزارش خبرگزاری ایلنا، سه شنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۲، ۲۷ کارگر از ۲۸ کارگر بازداشت شده در معدن چادرملو در شهرستان اردکان یزد، به دلیل ادامه اعتصاب دو هزار کارگر این معدن روز دوشنبه ۱۴ بهمن، آزاد شدند.

همین اعتصاب و اقدام متحدانه و مبارزه پیگیر کارگران شرکت آسفالت طوس، به سادگی نشان می دهد که کارگران با اتحاد و همبستگی طبقاتی و مبارزه پیگیر خود، می توانند کارفرمایان و حکومت را به عقب نشینی های جدی وادار کنند و به خواسته های به حق خود برسند!

در چنین شرایطی، یک پرسش اساسی این است که در جامعه ای که به گفته مقامات دولتی، تورم و گرانی حدود ۵۰ درصد است و بی کاری به مرز ده میلیون نزدیک شده و اکثریت خانواده های ایرانی، حتا نگران تأمین زندگی روزمره

خود هستند؛ در شرایطی که کارفرمایان دست مزد ناچیز کارگران را به موقع پرداخت نمی کنند و این مسأله سبب شده که بسیاری از خانواده های کارگری پریشان شوند و آسیب های اجتماعی در این خانواده ها فاجعه بار و نفس گیر شده است، تکلیف چیست؟ و چه باید کرد؟

به این ترتیب، هم اکنون بسیاری از فعالان جنبش کارگری ایران در زندانند از جمله امروز رضا شهابی، بهنام ابراهیم زاده، شاهرخ زمانی، محمد جراحی، پدram نصراللهی، محمد محمدی، افشین ندیمی و مهرداد صبوری در زندانند و اخیراً یوسف آب خراباد، واحد سیده و محمد مولائی در مهاباد به خاطر شرکت در اعتصابات کارگری به ۵ سال زندان و وفا قادری در سنندج به ۵ ماه زندان محکوم شده اند. هم اکنون وضعیت جسمی رضا شهابی در زندان، به شدت وخیم است و با وجود هوشدار پزشکان، حتا اجازه نمی دهند تحت معالجه قرار گیرد.

در چنین موقعیتی، خانواده این بخش کارگران، چگونه زندگی خود را تأمین می کنند؟ راه چاره کدام است؟ من این مسایل را با محمود صالحی، این چهره شناخته شده جنبش کارگری ایران، که خود وی نیز بارها زندانی شده و هم اکنون نیز سخنگوی کمیته دفاع از رضا شهابی است در رابطه با وضعیت کنونی زندانیان سیاسی در زندان های ایران، به خصوص فعالان کارگری و تلاش برای آزادی همه زندانیان سیاسی و به طور کلی لغو اعدام در ایران چه باید کرد؟

\*\*\*

آقای محمود صالحی گرامی، قبل از این که سؤالاتم را طرح کنم اجازه بدهید از تلاش ها و فعالیت های چشم گیر و پیگیرتان در رابطه با جنبش کارگری ایران و هم چنین مصاحبه هایتان با من و رسانه های دیگر تشکر کنم.

**بهرام رحمانی:** اولین سؤال این است که وضعیت رضا شهابی کارگر زندانی که شما هم سخنگوی دفاع از وی و آزادی اش هستید، چگونه است؟

**محمود صالحی:** قبل از هر چیز از شما و همه کسانی که این مصاحبه را انتشار و پخش می کنند تشکر می کنم. به خصوص مسؤولان محترم و زحمت کش رادیوها و سایت های اینترنتی.

رضا شهابی یکی از کارگران مبارزی است که مدت هاست در زندان به سر می برد و تحمل حبسی را می نماید که در قوانین قضائیه ایران برای این نوع فعالیت ها هیچ گونه جرمی تعریف نشده است. بنابراین، رضا شهابی تنها بر اساس مستندات کذب که از طرف مأموران امنیتی طبقه بندی شده، او را به زندان محکوم کرده اند. رضا شهابی، از نظر جسمی بیمار است و خانواده او مکرراً به دادستانی و مسؤولان مربوطه مراجعه کرده اند تا به ایشان مرخصی درمانی دهند. اما با کمال تأسف دادستان تهران، با این درخواست خانواده رضا شهابی مخالفت می کند و حاضر نیست تا جهت مداوای این کارگر زندانی و مریض اقدامی انجام دهد. مریضی رضا شهابی، همه ما را نگران کرده است و ما اعلام می کنیم که سازمان زندان ها و مسؤولان قضائی مسؤول جان و امنیت جانی این کارگر هستند.

**بهرام رحمانی:** محمود گرامی، رضا شهابی به چه دلیلی دستگیر و زندانی شده است؟

**محمود صالحی:** رضا شهابی، به جرم این که در سنوات گذشته اقدام به تأسیس سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه کرده بود و یکی از مسؤولان هیأت مدیره این اسدیکا است دستگیر شده است. رضا شهابی، هیچ گونه جرمی که به قول قوه قضائیه «علیه امنیت کشور» مرتکب شده، نه تنها واقعیت ندارد، بلکه رضا شهابی تنها و تنها از حقوق و مزایای کارگرانی که توسط کارفرمایان در ایران و به خصوص کارگران شرکت واحد تهران و حومه حق شان پایمال شده، دفاع کرده است. اگر ما به قوانین قضائی ایران توجه کرده باشیم در قانون مجازات اسلامی، ماده دو آمده است:

«هر فعل یا ترك فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می شود.» حال سؤال ما از قاضی پرونده رضا شهابی این است که رضا شهابی و بقیه کارگران زندانی به کدام ماده قانونی محکوم شده اند و سال ها عمر خود را در پشت میله های زندان می گذرانند؟ در قوانین جزائی کشور ما، هیچ گونه تعریفی برای این نوع مجازات ها برای کارگران و فعالان سیاسی مشخص نشده است. کلیه اتهاماتی که برای کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در نظر گرفته شده هیچ گونه وجاهت قانونی ندارد. بلکه این احکام، که علیه زندانیان سیاسی و کارگران زندانی از طرف محاکم قضائی صادر می شود، احکامی فله ای اند و با هیچ کدام از قوانین مصوب در ایران، هم خوانی ندارد.

**بهرام رحمانی:** کمیته دفاع از رضا شهابی، تاکنون چه اقداماتی را برای معالجه و آزادی وی از زندان انجام داده است؟  
**محمود صالحی:** کمیته دفاع از رضا شهابی از نظر قوانین مصوب در ایران نمی تواند از نظر حقوقی هیچ گونه کاری برای رضا شهابی انجام دهد. اما این کمیته، بعد از این که تأسیس شد و رسماً اعلام موجودیت کرد با فعالیت های تاکنونی خود توانسته است که در طول چند سال گذشته، اقدام به صدور ۶۳ شماره اطلاعیه کند. در این اطلاعیه ها، وضعیت رضا شهابی و نوع مریضی ایشان به اطلاع افکار عمومی جامعه و کارگران رسیده و در کل باید گفت که کمیته هر کاری که از دستش برآمده، انجام داده است و اعضای کمیته هر کدام به سهم خود، در جهت آزادی رضا شهابی کارهای انجام داده اند. آن ها، با تمام توان به وظیفه خود عمل خواهند کرد. ولی کمیته دفاع از رضا شهابی، به دلیل این که در هیچ مرجع رسمی ایران به ثبت نرسیده است، حتا نمی تواند به نام کمیته دفاع از رضا شهابی به مسؤولان زندان و یا مسؤولان قضائی نامه بنویسد و یا به ملاقات این کارگر زندانی برود. بنابراین کمیته دفاع از رضا شهابی برای شناساندن این کارگر مبارز به جامعه نقش بسیار فعالی داشته است. همین است که امروز تمام رسانه ها و مردم آزاده ایران و تشکل های کارگری دنیا، از وضعیت رضا شهابی اطلاع دارند. مثل این است که رضا شهابی، یکی از افراد خانواده آنان است.

**بهرام رحمانی:** تاکنون مقامات قضائی جمهوری اسلامی ایران، چه جوابی به این اعتراضات داده اند؟  
**محمود صالحی:** در ایران تشکیل هر گونه تشکل، کمیته و یا «ان. جی. او.» ممنوع است و تشکیل دهندگان این تشکل ها، به حبس های تعزیری و یا تعلیقی محکوم می شوند. بنابراین هیچ وقت مقامات قضائی به درخواست های این نوع تشکل ها جواب نخواهند داد. مگر این که این تشکل ها توازن قواء داشته باشند. اگر این کمیته ها توازن قواء داشته باشند می توانند مطالبات خود را به مسؤولان مربوطه تحمیل کنند. اما جواب ندادن مقامات قضائی، نباید دل سردی را در میان کارگران و اعضای کمیته ها به وجود بیاورد. من پیشنهاد می کنم که برای کلیه زندانیان سیاسی و یا کارگران زندانی کمیته ای به نام هر کدام از آنان تأسیس شود. تجربه تاکنونی ما، نشان داده است که تأسیس این کمیته ها تأثیر خوبی در جامعه داشته و دارد.

**بهرام رحمانی:** واقعاً هر کسی که وقایع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران را پیگیری می کند با این سؤال حیرت انگیز روبه رو می شود که در گزارشات و خبرها می آید مثلاً کارگران فلان کارخانه شش ماه است حقوق خود را دریافت نکرده اند. سؤال این است که واقعاً خانواده این کارگران، چطور و در چه شرایطی زندگی می کنند؟ البته اگر بشود اسمش را زندگی گذاشت؟!!

**محمود صالحی:** در کشور ما، کلیه اتهامات رو به کارگران است و هیچ وقت کارفرما و یا صاحبان سرمایه مورد بازخواست قرار نگرفته اند. برای نمونه می توانیم به بخشنامه های شورای عالی کار که هر ساله در رابطه با حداقل

دست مزد کارگران در ایران تصویب می شود و جهت اجراء به ادارات تعاون کار و رفاه اجتماعی ابلاغ می گردد. اگر در روز به ادارات تعاون کار و رفاه اجتماعی مراجعه کنید مشاهده خواهید کرد که هر روز صدها پرونده در دست بررسی است که کارگر از کارفرمای خود به دلیل این که، همان حداقل دست مزد تعیین شده شورای عالی کار را به کارگران خود پرداخت نکرده، شکای است. اما هیچ وقت دولت، اقدام به بازداشت کسانی نکرده است که بخشنامه های شورای عالی کار را نقض کرده اند. ما در ایران، شاهد این واقعیت هستیم که در بعضی مواقع کارفرمایان ۵ الی ۱۵ ماه دست مزد کارگران خود را به بهانه های واهی پرداخت نکرده اند. اگر کارگر هم از این بابت شکای شود باید چند ماه به ادارات تعاون کار و رفاه اجتماعی رفت و آمد کند تا هیأت های تشخیص و حل اختلاف برای آنان رأی صادر کنند و بعد از آن، باید چند ماه در راهروهای قوه قضائیه سرگران و علاف شوند تا آرای قطعی حل اختلاف و یا هیأت تشخیص به اجرای احکام فرستاده شود. اجرای احکام نیز بعد از مراحل قانونی که آن هم مشخص نیست چه مدتی است کار خود را انجام می دهد و شاید حکم به توقیف اموال کارفرما دهد.

اما کارفرما همیشه یک قدم از کارگر جلوتر است و اجرای احکام زمانی حکم توقیف اموال کارفرما را صادر می کند، که دیگر کارفرما کلیه اموال خود را به نام همسر و یا کسان دیگری انتقال داده و کارگر سرش بی کلاه خواهد ماند. در کشور ما، هیچ کس به دادخواهی کارگر جواب پس نمی دهد. اگر در روز صدها کارگر بر اثر سانحه کار و یا هر بلای دیگر جان خود را از دست دهند، آب از آب تکان نمی خورد. همان مسؤولان مربوطه ای که در مورد کارگران تصمیم گیری می کنند خوب می دانند که کارگران با دریافت همان مزدی که سرمایه داران و کارفرمایان در سال برای آنان تعیین می کنند، نمی توانند نیازمندی های روزانه خانواده خود را تأمین کنند. حال ۵ الی ۱۵ ماه هم حقوق دریافت نکنند!!

**بهرام رحمانی:** تا صدور رأی قطعی از طرف هیأت های تشخیص و حل اختلاف، کارگری که مدت ۵ الی ۱۵ ماه حقوق نگرفته است. زندگی او و خانواده اش از چه راهی تأمین می گردد؟

**محمود صالحی:** کارگری که چند ماه حقوق معوقه نزد کارفرما دارد باید برای اجاره بهای منزل مسکونی خود از دوستان و خویشان خود قرض بگیرد و یا با هزار مشکل در این جامعه که کار برای نسل جدید هم وجود ندارد در کنار خیابان های شهرها به دست فروشی مشغول شود تا هزینه نان خشک و خالی خانواده خود را تأمین کند. هر چند کارگر در این مورد سکوت پیشه کند و اعتراضی نکند هیچ مرجعی از ایشان سؤال نمی کند که شما مدت ۱۵ ماه است حقوق نگرفته اید، چطور زندگی خود را می گذرانید. اما اگر کارگر به این بی حقوقی اعتراض کند بلافاصله سروکله نیروی انتظامی و لباس شخصی ها پیدا شده و آنان را سرکوب می کنند و حتماً یک مارک هم به پیشانی این کارگران معترض می چسبانند. اما باز هم کارگر نباید سکوت کند.

**بهرام رحمانی:** باز هم در این میان، یک سؤال حیرت انگیزتر این است که کارگری که زندانی است خانواده اش چگونه و از چه منبعی زندگی خود را می گذارند؟

**محمود صالحی:** ما نمی توانیم این را قبول کنیم که تنها کارگر است که به اتهام تشکیل تشکل و یا مطالبه حقوق های معوقه زندانی می شود. آن احکامی که برای یک کارگر صادر می شود و آن کارگر نان آور یک خانواده ۵ نفره است؛ ایشان را جهت سپری کردن محکومیتش به زندان می برند. پس این تنها، آن کارگر محکوم شده نیست که زندانی می شود، بلکه کل خانواده این کارگر زندانی محکوم به زندان می شوند. یعنی اگر یک کارگر را به زندان ببرند کلیه خانواده او از منبع درآمد محروم می شوند. با این وضعیت اقتصادی که در کشور ما وجود دارد آیا مسؤولان حکومتی و

مسئولان امنیتی و یا مسؤلان قضائی از خود سؤال کرده اند که سرنوشت خانواده کارگر زندانی چه خواهد شد؟ وقتی یک کارگر را به زندان محکوم می کنند قبل از هر چیز کار خود را از دست می دهد و زمانی هم که از زندان آزاد شود دیگر باید بی کار باشد. چون در هیچ کجا به او کار نمی دهند. یعنی نام او در لیست سیاه قرار می گیرد. بنابراین، زندگی خانواده کارگر زندانی، خیلی سخت و طاقت فرسا است، این سؤال را باید از کسانی پرسید که خود در حال حاضر با این مشکل مواجه اند.

**بهرام رحمانی:** برای کمک به خانواده کارگران زندانی، چه باید کرد و راهکارهای مناسب کدام است؟

**محمود صالحی:** برای کمک به خانواده کارگران زندانی، باید از هر شکل و طریق بهره گرفت. اما به شرط این که، این کمک ها برای سوء استفاده از شخص زندانی و یا خانواده او صورت نگیرد. ما در چند سال گذشته، شاهد آن بودیم که اشخاصی به خانواده کارگران زندانی کمک کردند، دست آنان درد نکند اما این کمک ها را به دست اشخاصی دادند تا به هر شکلی که برایشان میسر است آن را به دست خانواده کارگران زندانی برسانند. اما برخی مواقع این کمک ها هیچ وقت به دست خانواده زندانی نرسیده و یا اگر هم رسیده باشد یک سوم آن بوده که از طرف افراد جمع آوری شده است. شاید در بعضی موارد هم این کمک ها رسیده باشد، اما خیلی کم تر از آن مبلغی بوده که جمع آوری و ارسال شده است. ما، بارها این مسأله را اعلام کرده ایم هر کسی که به خانواده کارگر زندانی کمک می کند مستقیم آن را به خود خانواده برساند نه به دست واسطه ها و اشخاصی بدهد که آن هم مشخص نیست و معلوم هم نیست که چطور این کمک را به دست خانواده زندانی می رساند. ما بارها اعلام کرده ایم و امروز هم اعلام می کنیم که خانواده کارگرانی که نیاز به کمک مالی دارند مستقیم خود یک شماره حساب بانکی باز کنند تا کمک های جمع آوری شده مستقیماً به آن شماره حساب خانواده زندانی واریز کنند.

من به عنوان یک کارگر که در سنوات گذشته تجربه ای در این زمینه دارم، از همه کسانی که به خواست خود دوست دارند به کارگران زندانی کمک مالی کنند. آن کمک را به دست اشخاص واسطه ندهند. شما می توانید با خانواده کارگران زندانی تماس حاصل کنید و از آنان شماره حساب بگیرید تا مستقیم کمک مالی به حساب خانواده زندانی واریز شود. اگر هم نشد با خانواده زندانی تماس حاصل کنید می توانید از طریق دوستان خود شماره حساب خانواده زندانی را به دست آورید. کمک به خانواده کارگر زندانی او را در امر مبارزه برای رسیدن به اهداف مستحکم و جسورتر می کند. ما، نباید در هیچ شرایطی آنان را فراموش کنیم. هر چند در چند سال گذشته، برای خانواده کارگران زندانی از طرف اشخاصی مشکلاتی ایجاد شده و خانواده زندانی از گرفتن هر گونه کمک مالی خودداری کرده به دلیل این که بعداً با آبروی آنان بازی کرده اند. مثلاً بعد از این که کارگر زندانی از زندان آزاد شد و از نظر فکری با اشخاصی که در زمان زندانی بودن او به خانواده ایشان کمک مالی کردند هم نظر نمی شود و یا انتقادی به سیاست ها و نظرات آنان داشته باشد، به تخریب ایشان می پردازند. این مشکل را برای خود من و خانواده ام به وجود آوردند و حتا این شایعات، در روحیه فرزندان من تأثیر مخربی گذاشته است. هر چند این شایعات برای شخص من خیلی مهم نیست اما برای خانواده ام خیلی مهم است. امیدوارم که این مشکلات دیگر به وجود نیاید.

البته تأکید کنم حساب کسانی که مورد اعتماد هستند و این اعتماد را طی سال ها مبارزه صادقانه در جامعه به وجود آورده اند، کاملاً جداست!

**بهرام رحمانی:** به نظر شما، عموماً برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران، چه کار باید کرد؟ جنبش کارگری ایران، به عنوان اصلی ترین و اجتماعی ترین جنبش سیاسی - طبقاتی در قبال آزادی همه زندانیان سیاسی بدون توجه به موقعیت آن ها و حتا زندانیان اجتماعی، چه وظایفی دارد؟

**محمود صالحی:** برای آزادی زندانیان سیاسی و همه کسانی که به اتهام دفاع از انسانیت در زندان هستند باید یک صدا شد. جنبش کارگری باید نقش اصلی داشته باشد. هر چند در چند سال گذشته برای آزادی کارگران زندانی بارها در جلو مراکز امنیتی و قضائی جمعیتی صورت گرفته است. اما این تجمع ها و اعتراضات نسبت به دستگیری انسان های مبارز و انقلابی باید وسیع تر و به دور از هر گونه فرقه گرایی باشد. این درست است که جنبش کارگری در این شرایط نقش اصلی دارد، اما جنبش کارگری هم برای خود مشکلات خاص خودش را دارد. ما باید آن را در نظر بگیریم. بر همین اساس است که ما اعلام می کنیم که برای هر فرد زندانی یک کمیته تشکیل شود. اگر برای هر فرد زندانی که به اتهام دفاع از انسانیت در بازداشت به سر می برد یک کمیته تشکیل شود، بعد از مدتی ما شاهد تشکیل صدها کمیته خواهیم بود و این کمیته ها در یک شرایط معین می توانند هم دیگر را پیدا کنند و با هم به فعالیت های مشترکی جهت آزادی زندانیان سیاسی اقدام کنند.

**بهرام رحمانی:** اخیراً جمعی از فعالان سیاسی و فرهنگی شناخته شده جامعه ایران، برای لغو «گام به گام اعدام در ایران» فراخوان داده اند. آیا شما می دانید چرا این فعالان، به طور کلی فراخوان لغو اعدام را نداده اند و خواستار لغو گام به گام آن هستند؟

**محمود صالحی:** این سؤال را باید با بانیان این فراخوان میان گذاشت بنابراین، از دادن هرگونه جواب به این سؤال معذورم.

**بهرام رحمانی:** توصیه کلی شما به فعالان جنبش کارگری و جنبش های دیگر مانند جنبش زنان و جنبش دانشجویی و فعالان اجتماعی و هم چنین نویسندگان و هنرمندان و روزنامه نگاران برای آزادی همه زندانیان سیاسی و لغو اعدام در ایران، چیست؟

**محمود صالحی:** ما در کل با هرگونه اعدام مخالف هستیم و حتا با اعدام های که شاکی خصوصی دارند. بنابراین، گرفتن جان یک انسان به هر بهانه ای محکوم است. این تفکر و این اعتقاد باید در میان مردم نهادینه شود. نهادینه کردن این نوع تفکرات نیاز به پشت کارداشته و خسته نشدن فعالان این عرصه را می طلبد. ما در کشوری زندگی می کنیم که اعدام انسان ها، به یک امر طبیعی تبدیل شده است. وقتی شخصی را اعدام می کنند، متأسفانه ۹۰ درصد جامعه به این اعدام بی تفاوت هستند. بنابراین، باید ما مخالفت با اعدام انسان ها را در جامعه به طور گسترده تبلیغ و مخالفت با آن را نهادینه کنیم. این وظیفه هر انسانی است که از مسیر خود و از جایگاه خود و از هر طریق ممکن، با اعدام مخالفت کنند. اگر امروز انسان هائی آمدند و لغو گام به گام اعدام را در ایران مطرح کردند، این برای ما که در کل با اعدام مخالف هستیم خوب است. ما خودمان را در صفوف آنان می بینیم. اما شعار ما لغو اعدام همین امروز است و به طور قاطع و بدون هیچ گونه توهمی و با صدای بلند آن را اعلام می کنیم.

**بهرام رحمانی:** آقای صالحی گرامی، من سؤال دیگری ندارم. اگر خود شما، موضوعی را دارید که به این مصاحبه اضافه کنید بفرمائید.

**محمود صالحی:** یک بار دیگر از شما و همه کسانی که در راه رسیدن طبقه کارگر به قدرت سیاسی مبارزه می کنند نهایت تشکر را دارم و می دانم که پیروزی از آن ماست!

پنجشنبه هفدهم بهمن [دلو] ۱۳۹۲ – ششم فیروزی ۲۰۱۴